

بررسی مختصات فرهنگی جهان اجتماعی دفاع مقدس

bovariyan@chmail.com

علی اکبر بیاری / دکترای جامعه‌شناسی فرهنگی مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی

پذیرش: ۹۶/۱۲/۲۵

دریافت: ۹۶/۷/۱۳

چکیده

ما با انواع جهان‌های اجتماعی مواجه هستیم. عناصر فرهنگی تعیین‌کننده نوع جهان اجتماعی است. یکی از جهان‌های اجتماعی، جهان اجتماعی دفاع مقدس می‌باشد که توسط رزمندگان اسلام در جبهه‌های جنگ تحمیلی ظهور یافت. بهره بردن از آن جهان اجتماعی در جامعه، پس از جنگ بخصوص برای رفع و دفع مسائل اجتماعی، منوط به ترسیم آن جهان اجتماعی در قالب عناصر فرهنگی آن است. در این پژوهش، با مراجعه به منابع اصیل دفاع مقدس و با روش تحلیل محتوای کیفی، مختصات فرهنگی جهان اجتماعی دفاع مقدس، در قالب سه لایه توصیف شده است. لایه اصلی و بنیادی، شامل باورها و اعتقادات عمیق و بنیادین مثل باور به خدا و انسان است. لایه دوم، عبارت از ارزش‌های حاکم بر آن می‌باشد که مبتنی بر لایه اول است. مثل عقلانیت، ولایت محوری و... لایه سوم، کنش‌های حاکم بر فضای جبهه‌ها می‌باشد که مبتنی بر ارزش‌های حاکم بر آن است. نتیجه اینکه جهان اجتماعی دفاع مقدس، دارای عناصر فرهنگی اصیلی است که مبنای ارزش‌ها و کنش‌های حاکم بر جبهه‌ها بود.

کلیدواژه‌ها: فرهنگ، دفاع مقدس، جهان اجتماعی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

مقدمه

تلاش معاندان این است که آن جهان اجتماعی را تغییر بنیادی داده، جهان اجتماعی متفاوتی را رقم بزنند تا در سایه آن بتوانند به اهداف خود برسند.

در این تحقیق تلاش شده با روش تحلیل محتوای کیفی جهت دار و بر اساس یافته‌ها و مشاهدات شخصی نگارنده، ابتدا جهان اجتماعی حاکم بر جبهه‌های جنگ ترسیم، سپس با مراجعه به متون و اسناد دست اول مربوط به دفاع مقدس، تأیید و تکمیل شود. هدف اصلی در ترسیم جهان اجتماعی دفاع مقدس این است که الگویی مناسب از یک جهان اجتماعی ارائه شود تا با تحقق آن در جامعه، زمینه رشد مادی و سعادت اخروی انسان‌ها فراهم گردد.

سؤال اصلی تحقیق این است که جهان اجتماعی دفاع مقدس، دارای چه مختصات فرهنگی بود و به چه میزان با جامعه آرمانی اسلام تطابق داشت؟

در حوزه دفاع مقدس، هر چند کتاب‌های فراوانی نوشته شده، ولی عمده آنها شامل خاطرات جنگ می‌باشد و نگاه فرهنگی به دفاع مقدس، کمتر به چشم می‌خورد و در موضوع جهان اجتماعی دفاع مقدس، اصولاً کاری انجام نشده است.

به نظر می‌رسد، جهان اجتماعی حاکم بر جبهه‌های جنگ در دوران هشت ساله دفاع مقدس، عبارت بود از: یک جهان اجتماعی مطلوب با مختصات فرهنگی مورد تأیید اسلام و بسیار شبیه به جامعه آرمانی اسلام، که زمینه‌ای برای رشد و تعالی معنوی رزمندگان اسلام را فراهم آورده بود. بنابراین، چنانچه مسئولان فرهنگی و عموم مردم، تلاش کنند تا مختصات فرهنگی جهان اجتماعی دفاع مقدس را در جامعه پسا جنگ رواج دهند، شاهد برکات فرهنگی و اجتماعی فراوانی در سطح فردی و اجتماعی خواهیم بود.

فرهنگ

هرچند تعاریف فراوانی از فرهنگ شده است، ولی تقریباً همه در یک معنا مشترک هستند و آن اینکه، فرهنگ شامل باورها و امور غیرمادی قطعاً می‌شود. بنابراین، فارغ از اختلافات فراوان در تعریف فرهنگ، همان وجه مشترک آن مورد نظر است. به عبارت دیگر، تعریف مدنظر ما از فرهنگ عبارت است از: عقاید، آگاهی‌ها، ارزش‌ها، هنجارها، آداب و عاداتی که از طریق تعلیم و تعلم منتقل

با پایان هر جنگی، بررسی، تحقیق و تحلیل پیرامون آن توسط محققان شروع می‌شود. این به دلیل کارکردهای مفیدی است که جنگ به دنبال دارد. از جمله این بررسی‌ها، مطالعات فرهنگی و اجتماعی در حوزه جنگ است. همان‌گونه که فرهنگ بر وقوع، تداوم، شکل، محتوا و پایان جنگ اثر دارد، جنگ‌ها نیز متقابلاً بر فرهنگ جامعه تأثیر می‌گذارند؛ تأثیرات مثبتی چون تغییر در ارزش‌ها و باورهای ناصحیح، تعمیق باورها و برخی از ارزش‌های مثبت، تألیف قلوب و انسجام اجتماعی، ایجاد یک هویت مشترک بین اعضای جامعه و... و تأثیرات منفی بخصوص در صورت شکست، همچون از دست رفتن اعتماد ملی، آشفتگی فرهنگی و... نمونه بارز نوع اخیر، شکست ایران از روس بود که پیامدهای منفی همچون ظهور نظام آموزشی جدید، رایج شدن اصطلاحات فرانسوی و انگلیسی در زبان گفتاری و نوشتاری مردم، شیوع رمان‌های غربی، به جای داستان‌های قدیمی ایرانی، رواج قرائت‌های جدید از دین، تغییر در اخلاق و آداب و رسوم مردم، تغییر در معماری و هنر، و... از خود به جای گذاشت (جعفریان، ۱۳۸۷، ص ۲۸۳).

پیروزی انقلاب اسلامی موجبات تغییر و دگرگونی عظیمی در عرصه اجتماع گردید؛ تغییر و دگرگونی در مسائلی همچون سبک زندگی و فرهنگ زیستن و تعامل با دیگران، بر اساس عدالت و اخلاق اسلامی. این نوع تفکرات به ذاتی مستکبران خوش نیامد. در نتیجه، جنگی نابرابر را علیه این ملت آغاز کردند؛ جنگی که در آن تمامی اصول نظامی و بین‌المللی و انسانی، آشکارا نقض شد. این جنگ به طور رسمی، توسط کشورهای غربی تأیید و حمایت شد. اما جوانان شجاع و مؤمن انقلابی، که محصول تازه به ثمر رسیده انقلاب بودند، با کم‌ترین امکانات مادی و نظامی ولی با ایمانی راسخ، به امر امام خود، در برابر این هجمه، مردانه ایستادند و جان دادند و پس از هشت سال ایستادگی و مقاومت، مانع دستیابی دشمن به اهداف خود شدند.

در دوران هشت ساله دفاع مقدس، شاهد شکل‌گیری یک جهان اجتماعی با مختصات فرهنگی خاصی در جبهه‌ها هستیم. بررسی عناصر اصلی تشکیل‌دهنده این زندگی اجتماعی مطلوب، چیزی است که در این مقاله دنبال ترسیم آن هستیم. اهمیت ترسیم این جهان اجتماعی آن‌گاه مضاعف می‌شود که باور داشته باشیم که

وجود ابزارهای شناخت متناسب با آن، تکامل یا تنزل و تعیین افق‌های جدید.

لایه‌های جهان اجتماعی

هر جهان اجتماعی، دارای لایه‌های سه‌گانه‌ای می‌باشد که هریک حاکم بر دیگری است.

الف. لایهٔ زیرین و بنیادین که شامل باورهای عمیق و اصلی می‌باشد. این لایه، تعیین‌کننده نوع جهان اجتماعی است. با تغییر این لایه، سایر لایه‌ها نیز تغییر و به تبع، جهان اجتماعی نیز متفاوت می‌شود و جهانی دیگر شکل می‌گیرد. البته ممکن است تغییرات جزئی در لایه‌های سطحی شکل بگیرد که این تغییرات اساسی نیست؛ تغییر در درون همان نظام موجود است. باورهایی باور به خدا، خود و جهان هستی و... نمونه‌هایی از باورهای عمیق و بنیادین هستند.

ب. لایهٔ متوسط که شامل باورها و ارزش‌هایی می‌شود که ناشی از لایه زیرین می‌باشد، باور به غیب، تقدس‌گرایی، شهادت‌طلبی و...
ج. لایهٔ رویین و سطحی، شامل کنش‌هایی می‌شود که ناشی از دو سطح قبلی است، فقه‌محوری و اخلاق‌محوری و... .

محدودهٔ جهان اجتماعی

هر چیزی که با زندگی اجتماعی انسان ارتباط داشته باشد، درون جهان اجتماعی قرار دارد. کنش‌های اجتماعی انسان‌ها و پیامدهای آنها. احترام به قانون یا خانواده یا صلح و... حتی اموری که به ظاهر پدیده‌های طبیعی هستند. سیل و زلزله نیز داخل جهان اجتماعی هستند؛ چون بر زندگی اجتماعی اثر می‌گذارند. حتی موجودات و امور ماورایی هم در محدوده جهان اجتماعی قرار می‌گیرند؛ چراکه در زندگی اجتماعی اثرگذارند. خدا و فرشتگان و... که در باورها و کنش‌های اجتماعی اثرگذارند. جهان اجتماعی حتی شامل جمادات هم می‌شود؛ چراکه با اختراع آنها، زندگی اجتماعی متحول شده است (پارسانیا، ۱۳۹۱، ص ۱۳۲).

جهان اجتماعی جبهه‌ها

به مجموعه پدیده‌هایی که موجب شکل‌گیری نوعی خاص از نظام

شده و صورتی جمعی پیدا کرده است (پارسانیا، ۱۳۸۷، ص ۵۲). بنابراین، فرهنگ بخشی از معرفت است که تبدیل به ذهنیت مشترک افراد و جامعه شده است. در واقع، فرهنگ هویتی معرفتی و جمعی دارد و دارای سطوح مختلف است که شامل نمادها، نشانه‌ها، هنجارها، ارزش‌ها، باورها و اعتقادات بنیادین می‌شود که در زبان، آداب، رسوم، حقوق، مقررات، ادبیات، اساطیر، علوم و معارف و... بروز و ظهور یافته است (همان).

منظور از «مختصات فرهنگی»، یعنی ویژگی و شرایط خاص فرهنگی حاکم بر جبهه، به این معنا که در جبهه‌های جنگ تحمیلی این مختصات فرهنگی حاکم بود، نه چیز دیگری.

جهان اجتماعی

مفهوم «جهان اجتماعی» (social world)، بیشتر در جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی (Phenomenological sociology) به کار می‌رود که با مفاهیم دیگری چون جهان زندگی یا زیست جهان قرابت دارد. در ترکیب جهان اجتماعی، واژه «جهان» به شناخت و تجربه ذهنی اشاره دارد (پارسانیا و سلطانی، ۱۳۹۰). بنابراین، جهان اجتماعی برخوردار از یک هویت معنایی است، نه صرف جهان فیزیکی خارجی.

«جهان اجتماعی»، اصطلاحی است برای جهانی که به واسطه وجود انسانی و کنش‌های تقویم و بنیان می‌شود (همان). بنابراین، جهان اجتماعی به تجربه‌های ذهنی، که در روابط اجتماعی و کنش‌های انسانی تقویم و ایجاد می‌شود، اطلاق می‌گردد (همان). جهان اجتماعی ساخته شده آگاهی و اراده انسان است و ابتداء، در دنیای ذهن شکل می‌گیرد و در خارج، منجر به شکل‌گیری کنش‌ها و رفتارهای خاصی می‌شود.

«جهان اجتماعی»، همان نظام اجتماعی است که بی‌شباهت به موجودات زنده نیست، بدن یک موجود زنده؛ با این تفاوت که نظم و پیش‌عناصر و اعضای جهان اجتماعی طبیعی و تکوینی نیست، بلکه با اراده و آگاهی انسان‌ها شکل گرفته است. بنابراین، امری است اعتباری که مورد قبول اعضا هست. در جهان اجتماعی، هر عضو نقش و وظیفه‌ای در قبال جهان اجتماعی موجود دارد. هر جهان اجتماعی دارای مؤلفه‌هایی است که اهم آنها عبارتند از: وجود اجزا و لایه‌های مختلف، اختیاری بودن در شکل‌گیری و تداوم آن،

اجتماعی، در جبهه‌ها شده بود، «جهان اجتماعی دفاع مقدس» می‌گوییم. این جهان اجتماعی، شامل باورهای بنیادین، ارزش‌ها، آرمان‌ها و رفتارهای ناشی از ارزش‌ها، نمادها، آداب و رسوم، سنت‌ها، سبک زندگی و انواع کنش‌های اجتماعی کنشگران بود. هر چیزی که با آن نظام اجتماعی، که در جبهه‌ها حاکم بود، سروکار داشت، در حیطه آن جهان اجتماعی می‌گنجد. هرچند به صورت مستقیم و ظاهری، ربطی به آن جهان اجتماعی نداشت. مثل عالم ملکوت و ملائکه و غیب و... چراکه بر کنش‌های رزمندگان اثر می‌گذاشت.

ویژگی‌های جهان اجتماعی دفاع مقدس

تمامی مؤلفه‌های یک جهان اجتماعی در جبهه‌ها حاکم بود. علاوه بر اینکه، جهان اجتماعی حاکم بر جبهه‌ها، دارای ویژگی‌های خاص خود بود. این ویژگی‌های برگرفته از جهان اجتماعی توحیدی بود. از این رو، بیشترین شباهت را به جامعه آرمانی اسلام داشت. از جمله مهم‌ترین مؤلفه‌ها و ویژگی‌های جهان اجتماعی دفاع مقدس عبارتند از:

۱. حاکمیت نوعی زندگی اجتماعی نظام‌مند

در هر جهان اجتماعی، نوعی زندگی نظام‌مند حاکم است که در جبهه نیز این مسئله حاکم بود. به طوری که هر عنصر در جای مخصوص خود قرار داشت. فرمانده در جایگاه فرماندهی، واحد تبلیغات در جای خود، تدارکات در جای خود، و...

۲. تحقق پدیده‌های مختلف

در درون این نظام اجتماعی نظام‌مند، پدیده‌های مختلفی محقق می‌شد که در هر جهان اجتماعی شکل می‌گیرد. پدیده‌هایی مثل مراسم معنوی و نمازهای جماعت و سخنرانی‌های مذهبی، ورزش‌های صبحگاهی، رزم شبانه، کمک به یکدیگر، شوخی‌های شایسته، کلاس‌های هنری، و...

۳. پیوند مستمر بین اعضا

وجود پیوندی عمیق و مستمر و مبتنی بر قواعد مقبول بین اعضای این نظام اجتماعی (فرماندهان و نیروهای تحت امر)، از دیگر ویژگی‌های این جهان اجتماعی بود.

۴. وجود اعضا و عناصر

وجود اعضا و عناصر مختلف، اعم از مادی و معنوی در هر جهان اجتماعی یافت می‌شود که در جهان اجتماعی دفاع مقدس هم وجود داشت. عناصر معنوی، مثل فداکاری، ایثار، عبادت، و... و عناصر مادی، مثل تجهیزات، وسایل نظامی، سنگر، وسایل نقلیه و...

۵. تحقق آن بر اساس اراده و اختیار کنشگران

شکل‌گیری این نظام اجتماعی، با اختیار و اراده کنش‌گران بود، نه از سر جبر و یا به صورت طبیعی. رزمندگان با اختیار خود و بر اساس معانی پذیرفته‌شده ذهنی و باورهای مشترک، چنین نظامی را به وجود آورده، آن را استمرار دادند. هیچ رزمنده‌ای نبود که مجبور باشد ایثار کند، یا سر وقت در نماز جماعت حاضر شود، یا به جای هم سنگر خود نگرهانی بدهد، بلکه با توجه به باورهای دینی و ارزش‌هایی که مقبول آنها بود، می‌دانستند که این امور مورد رضایت خداست و موجب تقرب الی الله می‌شود. لذا با میل و رغبت آن را انجام می‌دادند.

۶. مقبول بودن این نظام اجتماعی

جهان حاکم بر جبهه‌ها مقبول همه بود و همه از آن اطلاع داشتند؛ کمتر رزمنده‌ای بود که این نظام اجتماعی را قبول نداشته باشد و یا از آن بی‌اطلاع باشد. مثلاً همه می‌دانستند که در جبهه سخن از غرور، تکبر و خودخواهی و... بی‌معناست. هرچه هست تواضع و گذشت است. اگر کسی هم این نظام را قبول نداشت، به زودی به این نتیجه می‌رسید که آن را قبول کند و یا اینکه از جبهه خارج شود.

۷. وجود لایه‌های مختلف

جهان اجتماعی دفاع مقدس، مثل هر جهان اجتماعی دیگری، سه لایه داشت؛ عمیق‌ترین سطح آن عبارت بود از: مسائل مربوط به شناخت و هستی‌شناسی. این لایه از جهان اجتماعی، تأثیر همه‌جانبه و فراگیر نسبت به سایر اجزا دارند و هویت جهان اجتماعی به این دسته از امور است. مثل باور به اصل جهان، جایگاه انسان در جهان و تفسیری که از مرگ و زندگی دارد (پارسانیا، ۱۳۹۱، ص ۱۳۹). در واقع، این لایه نقش حیاتی در شکل‌گیری جهان اجتماعی دفاع

«يَا أَيُّهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ» (فاطر: ۱۵)؛ در باور رزمندگان همه موجودات فقیر محض خدا بودند. به تعبیر صدرالمألهین در مورد فقیر محض بودن، که از اصطلاح آویخته به او بودن را به کار می‌برد (شریفی، ۱۳۹۳، ص ۳۰۴).

مهم‌ترین و ریشه‌ای‌ترین عنصر در جهان اجتماعی دفاع مقدس، باور و ایمان به خدای واحد بود که بر سایر لایه‌ها و عناصر تشکیل‌دهنده آن، تأثیر می‌گذاشت. حتی معنویت حاکم بر جبهه‌ها، ناشی از این باور بود. به فرموده شهید مطهری: «سرآمد باورهای دینی و ریشه همه معنویات ایمان به خداست» (مطهری، ۱۳۷۰، ص ۱۵۱). اصل توحید، اولین اصل قرآن است که همه انبیا به آن دعوت کرده‌اند. توحید به معنای یکی دانستن و یکی شمردن خدا می‌باشد. توحید دارای مراتبی است: توحید در خالقیت، توحید در ربوبیت تکوینی و تشریحی، توحید در عبودیت، توحید در استعانت، توحید در محبت و... (مصباح، ۱۳۸۸، ص ۵۸). تمامی مراتب توحید حتی بالاترین سطح آن، در جهان اجتماعی دفاع مقدس فراگیر بود. در واقع، می‌توان مدعی شد که تمامی مراتب توحید، با شدت و ضعف، در فضای جبهه و ذهن و باور رزمندگان حاکم بود. هرچند باور به توحید و ایمان به خدا در افراد دیدنی نیست، ولی بروز و ظهور این باور در گفتار و کنش‌ها، دلیل بر این باور است. شخص خدا باور، در گفتار و رفتار این مسئله را نشان می‌دهد. با نگاهی به رفتار و گفتار رزمندگان، می‌توان به روشنی این مسئله را دریافت. رزمنده‌ای که با یاد خدا و راز و نیاز با او مأنوس است و حضور در نمازخانه و تلاوت قرآن، در دل سنگر و دعا جزو برنامه‌های روزانه اوست، حتماً به خدای متعال باور دارد. ایمان او، در مرتبه بالایی واقع شده است. آنها حتی وقتی بر دشمن پیروز می‌شدند، خدا را عامل پیروزی می‌دانستند و خود را هیچ‌کاره محسوب می‌کردند. آنها در وصیت‌نامه‌هایشان، به وحدانیت خدا شهادت می‌دادند و هدفشان از آمدن به جبهه را رضایت الهی می‌دانستند. شروع هر کار با یاد خدا بود و پایش با حمد الهی، حتی در اموری مثل غذا خوردن. شروع عملیات‌ها با یاد خدا و استمداد از قدرت لایزال او بود. از این رو، ذکر «لا حول ولا قوة الا بالله العلی العظیم»، در شب عملیات اولین ذکر بود که در قرارگاه‌های عملیاتی طنین‌انداز می‌شد. ذکر «الله اکبر»، در همه حال بخصوص شب عملیات ورد زبان رزمندگان بود. تنها از خدا کمک می‌خواستند و ذکر «حسبنا الله و نعم الوکیل»

مقدس داشت. به طوری که با حذف آنها، هویت جهان اجتماعی دفاع مقدس غیر از آن چیزی می‌شد که تحقق یافته بود. در اهمیت نقش باورهای بنیادین، همین بس که ریشه تمامی انگیزه‌ها، خواسته‌ها، سلوک و رفتار، وظایف و مسئولیت‌ها، ارزش‌های اخلاقی و هنجارها و کنش‌های فردی و اجتماعی، به باورها برمی‌گردد که در رأس آنها، باور به هستی‌آفرین است. چنانچه در آیه ۲۴ و ۲۵ سوره مبارکه «ابراهیم»، سخن از شجره طیبه‌ای شده که اصل آن ثابت و ثمرات آن جاری است. علامه طباطبائی، در تفسیر المیزان کلمه «طیبه» را همان توحید و شهادت به وحدانیت خداوند می‌داند که دیگر اعتقادات، ارزش‌ها، اخلاق و اعمال صالح ثمره آن است (طباطبائی، بی‌تا، ج ۱۲، ص ۷۲). آیت‌الله مصباح، در این زمینه می‌فرماید: «این شناخت‌های نظری که مسائل اساسی جهان‌بینی را تشکیل می‌دهد، در واقع مبنای نظام ارزشی و احکام عملی عقل به‌شمار می‌رود» (مصباح، ۱۳۹۰، ص ۴۷). اما برخی از پدیده‌های جهان اجتماعی، هم تأثیرات کمتری دارند و هم بیشتر در معرض تغییر هستند. مثل نمادها و کنش‌ها به طوری که با حذف آنها، هویت جهان اجتماعی تغییر نمی‌کند و امکان جایگزینی برای آنها وجود دارد. این سطح پایین‌ترین لایه هر جهان اجتماعی می‌باشد. بین این دو سطح از جهان اجتماعی، سطح متوسط قرار دارد. آنها نیز اساسی هستند و تأثیرگذار در شکل‌گیری جهان اجتماعی، مثل ارزش‌ها و هنجارها، ولی تحقق آنها منوط به لایه اول است. در واقع، از آن سطح ناشی می‌شوند و محصول باورهای سطح اول می‌باشند.

سطوح و لایه‌های مختلف جهان اجتماعی جبهه‌ها

۱. سطح عمیق

عمیق‌ترین و بنیادی‌ترین سطح جهان اجتماعی جبهه‌ها عبارت بود از: باورهای عمیق و بنیادینی که شکل‌دهنده سایر باورها و ارزش‌ها و کنش‌ها بود. این باورهای عمیق عبارت بودند از:

۱-۱. **باور به خدا:** مهم‌ترین مبنا و از اصول بنیادین مورد پذیرش نیروهای اسلام، باور به خدای یکتا بود. باور به موجودی که کمال مطلق و بی‌نهایت است. همه کمالات را در حد کاملش داراست. بی‌نیاز از همه است. همه نیازمند اویند. همه موجودات از جمله انسان‌ها در همه حالات و شئون خود وابسته و نیازمند اویند:

چه کار باید بکند و به کجا می‌رود؟ و... از جمله سؤالات بنیادین در این قلمرو می‌باشد که پاسخ آنها می‌تواند در سرنوشت انسان تأثیر بگذارد. امروزه انسان‌شناسی، یکی از بحث‌های جدی مکاتب مختلف است که تعیین کننده بسیاری از مباحث کاربردی، اجتماعی، حقوقی، سیاسی و... می‌باشد.

تأثیر مستقیمی که نوع نگاه به انسان، در رفتارها و کنش‌های متقابل انسانی و حتی کنش‌های مرتبط با خدا و طبیعت دارد، بر کسی پوشیده نیست. در واقع، از جمله پیش‌نیازهای شناخت کنش‌های انسان، شناخت خود انسان و ویژگی‌های اوست (شریفی، ۱۳۹۳، ص ۳۱۶). آیا انسان همین ظاهر مادی و جسم طبیعی است؟ آیا رفتارهای انسان بی‌معناست (دیدگاه رفتارگرایان)، یا اینکه انسان مرکب از جسم و روح است و حقیقت و اصالت او با روح فناپذیر اوست؟ آیا انسان مجبور است، یا مختار و همه رفتارهای او ناشی از اراده و اختیار اوست؟ آیا انسان، در شمار سایر موجودات هستی، مثل جمادات و نباتات قرار می‌گیرد، یا اینکه موجودی ویژه و آزاد و جانشین خدای تعالی در عالم هستی می‌باشد که در جست‌وجوی کمال مطلق و قدرت مطلق و هر امر مطلق است؟

حقیقت انسان در باور رزمندگان اسلام عبارت بود از: موجودی که:

- هدف خلقت انسان، دستیابی او به کمال نهایی‌ای است که انسان شایسته آن است؛

- راه کمال با اختیار و اراده طی می‌شود، نه با اجبار؛

- حقیقت انسان، روح فناپذیر اوست که ظرفیت‌های بی‌نهایتی دارد؛

- با فانی شدن جسم، روح به عالم دیگری می‌رود و آنجا نتیجه اعمال خود را می‌بیند؛

- جسم نیز امانتی است که در اختیار انسان قرار داده شده، تا به کمک آن بتواند به کمال خود برسد؛

- کمال نهایی انسان، قرب به خداست؛

- با اطاعت از دستورات الهی، که در قالب وحی و تفسیر آن توسط معصومان علیهم‌السلام در دسترس انسان است، می‌توان به کمال نهایی رسید؛

- در صورت عدم بندگی، ممکن است از حیوانات هم پست‌تر شد؛

در فضای جبهه‌ها رواج داشت. «دعای کمیل» خواندشان دیدنی بود. همین‌ها در برابر دشمن هیچ ترسی از خود نشان نمی‌دادند. به فرموده پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، که یکی از ویژگی‌های مؤمن واقعی را چنین بیان می‌فرماید: «رُهْبَانُ بِاللَّيْلِ أُسْدٌ بِالنَّهَارِ» (کلینی، ۱۴۲۹ق، ج ۲، ص ۲۳۲)؛ زاهدان شب و شیران روز هستند.

ذکر این خاطره خالی از لطف نیست:

سرهنگ ستاد رضا الصبری افسر رابط اطلاعات سپاه سوم ارتش عراق در خاطرات خود پیرامون شجاعت و ترس بودن نیروهای رزمنده ایرانی می‌گوید: یکی از دوستانم که در نبرد پاسگاه الشهبابی شرکت داشت چنین می‌گفت: نیروهای ایرانی پشت سر تانک‌هایمان می‌دویدند تفتنگ‌هایمان را به سویشان نشانه می‌رفتیم و آنها را هدف قرار می‌دادیم، اما رفقای آنها دنباله کارشان را پی می‌گرفتند و ضربه خود را می‌زدند، نه از آتش می‌ترسیدند، نه از مرگ و مانند گردبادهای شدید بدون واژه هجوم می‌آوردند (جعفری، ۱۳۹۲، ص ۴۸۹). امیدشان فقط به خدا بود و فقط به او محبت می‌کردند و اگر به دیگران محبت داشتند در پرتو محبت به خدا بود. در وصیت‌نامه این عشق و محبت به خدا را بروز می‌دادند. شهید مهدی احمدخانی محبت به خدا را وصیت‌نامه خود این‌گونه متجلی می‌کند: خدایا ... جز تو مرا معشوق و مرادی نیست... چشمانم در انتظار دیدار توست. طلب جانم کن که دیگر طاقت دوری تو را ندارم (مرکز پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۱۰۳۷).

و صدها رفتار و گفتار دیگر که همه، حاکی از باور قلبی به خدا و پذیرش تمامی مراتب توحید در بین آنها بود. نکته مهم اینکه، باورها مراتب دارند. هرچند افراد دیگری غیر از رزمندگان نیز دارای باور به خدا بودند، اما مراتب این باور متفاوت بود، حتی بین همه رزمندگان هم یکسان نبود.

۱-۲. انسان‌شناسی

یکی دیگر از باورهای عمیق و تعیین‌کننده جهان اجتماعی، دفاع مقدس عبارت بود از: باور و اعتقاد آنها به انسان و نوع نگاهی که به خودشان، به عنوان یک انسان داشتند. این هم در سطوح پایین‌تر خود را نشان می‌داد و اثرات زیادی داشت. اینکه انسان کیست و حقیقت آن چیست و ظرفیت‌هایش به چه میزان است؟ برای چه خلق شده و

بنیادین قرار می‌گیرد و ناشی از آن دو است که در ارزش‌ها و کنش‌ها متجلی می‌شود که در دو بخش ذیل به آنها پرداخته می‌شود.

۲. سطح متوسط

با توجه به باورهای اصیل و بنیادین فوق، در سطح پایین‌تر باورها و ارزش‌هایی شکل گرفته بود که به مهم‌ترین آنها اشاره می‌گردد.

۲-۱. تقدس‌گرایی

یکی از باورهای مهم و مؤثر در فضای ذهنی رزمندگان اسلام، که ناشی از باورهای بنیادین بود، عبارت بود از: نگاه قدسی به جبهه، آرمان‌ها، اهداف و ارزش‌های آن. آرمان‌ها و اهدافی که رزمندگان به خاطر آن به جبهه می‌رفتند و جهاد می‌کردند و حتی جان خود را در راه آن فدا می‌کردند، دارای نوعی تقدس معنوی و دینی بود. همین قداست داشتن راه و هدف، موجب می‌شد بزرگ‌ترین فداکاری‌ها شکل بگیرد. به قول شهید مطهری: «تنها نیرویی که قادر است موجب شود که انسان از هستی خود در راه خدا بگذرد تقدس داشتن ایده و مرام و راه است که این تقدس به واسطه نیروی مذهب حاصل می‌شود» (مطهری، ۱۳۹۲، ص ۴۰). نگاه تقدسی به جبهه و آرمان‌ها و اهداف آن، ناشی از این است که رزمندگان ما جغرافیای هستی را فراتر از جغرافیای طبیعت می‌دیدند. زندگی این جهان را در سایه حیات و زندگی دیگری، که برتر از آن است، معنا می‌کردند. این جهان را از تجلیات ذات مقدس الهی می‌پنداشتند. این نگاه تقدسی، ناشی از نگاه به انسان است و اینکه او را فراتر از این جسم مادی است. برای او ساحتی معنوی و سیرتی آسمانی قائل بودند که از عالم قدس نشئت گرفته است «ونفخت فیه من روحی» (حجر: ۲۹).

از منظر اسلام، الهی بودن عقاید و اخلاق و افعال فردی و اجتماعی و حسن فعلی و فاعلی، زمینه مقدس شدن آنها را فراهم می‌کند. به طوری که تمامی زندگی روزمره انسان نیز در قلمرو امر قدسی قرار می‌گیرد. مثل تلاش برای رفع نیازهای خانواده. امام صادق علیه السلام می‌فرمایند: «الکاد علی عیاله کالمجاهد فی سبیل الله» (حرعاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱۷، ص ۶۷) (کسی که به خاطر خانواده خود تلاش و زحمت می‌کشد، مثل کسی است که در راه خدا مشغول جهاد است)، نه صرفاً رفتارهای عبادی شخصی مثل نماز و روزه و... حتی رفتارهای اجتماعی و سیاسی، که ناشی از دلیل عقلی مورد تأیید و تأکید دین می‌باشد، مثل شرکت در انتخابات برای حفظ نظام

- تجلی این نگاه به انسان، در کنش‌های رزمندگان مشهود بود. آنان در گفتار و نوشتار و کنش‌های خود این نوع نگاه به انسان را بروز و ظهور می‌دادند.

حضور در جبهه، با انگیزه کسب رضای الهی و دفاع از حریم کشور اسلامی، که در گفته‌ها و وصیت‌نامه‌هایشان یادآوری می‌کردند، آمادگی برای فدا کردن جان در راه خدا، انجام واجبات و ترک محرمات، تقید به مستحبات و ترک مکروهات، تلاوت قرآن و آشنایی با کلام وحی، مأنوس بودن با کتب روایی، بخصوص *نهج البلاغه*، که در بیشتر مناطق یافت می‌شد، وجود روحانیون تبلیغی در اکثر رده‌های نظامی و...، نشانی بود از شناخت صحیح انسان و جایگاه او، اینکه راه دستیابی به کمال، اختیار و اراده است و فقط از طریق اطاعت از خدا و انجام وظیفه می‌توان به کمال انسانی رسید. رزمندگان عبودیت و بندگی را به حضور در جبهه و آمادگی برای شهادت و اطاعت از ولی فقیه می‌دانستند. مرگ را آغاز زندگی می‌دانستند، نه تلف شدن. لذا شب عملیات شب مهمانی و وصل بود. شهید مصطفی *ردانی پور*، در بخشی از وصیت‌نامه خود، با اشاره به کمال واقعی انسان می‌نویسد: تنها راه سعادت، رسیدن به کمال بندگی خداست. بندگی او در اطاعت از اوامرش و ترک نواهی او می‌باشد (گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۲ ج، ص ۱۹۰).

رزمندگان در وصیت‌نامه‌هایی که می‌نوشتند، یکی از مسائلی که زیاد رایج بود، تسلی دادن به بازماندگان بود، بخصوص پدر و مادر؛ با این تعابیر که من امانتی بودم دست شما و خدا خواست این امانت را بگیرد. اما بدانید که روح من ناظر اعمال شماست و همیشه حاضر است و نظاره‌گر اینکه شما با این امانت الهی؛ یعنی نظام اسلامی چه کردید. این امر نشان‌دهنده این باور عمیق است که حقیقت انسان همان روح فناپذیر اوست. رواج واژه‌هایی چون الحقییر و بنده عاصی و... در جبهه، نشان از این باور بود که در برابر خدا خود را هیچ می‌پنداشتند و کمال خود را در تذلل در برابر خدا می‌دانستند.

شهید *نادر تقاضایی*، در مورد کمال انسان، که همان قرب الهی است، این‌گونه با خدا راز و نیاز می‌کند: خدایا آرزویم رسیدن به توست. پس یاریم کن تا بتوانم قدمی از قدمی بر دارم و هر قدم نزدیک شدن به تو باشد (مرکز پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۹۹۴).

باور به نبوت و امامت و معاد، زیرمجموعه همان دو باور عمیق و

اسلامی و ناامید کردن دشمن و... مقدس می‌شوند. به تبع آن، زمینی که در آن این افراد با این باورها و رفتارها زندگی می‌کنند، نیز مقدس می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۹۲). اینکه امام خمینی علیه السلام جنگ تحمیلی را دفاع مقدس خواندند، به همین مبانی برمی‌گردد.

بنابراین، جبهه برای رزمندگان اسلام مکان مقدسی بود که ورود به آن، آداب و شرایط خاصی داشت. مثل باوضو بودن و رعایت آداب اسلامی در پوشش، خوراک و گفتار و... این نگاه تقدسی بسیار کارساز بود. در پرتو همین نگاه، کنش‌ها حتی کنش با دشمن، صرفاً نظامی نبود، بلکه کنش‌های مؤمنانه بود. واژه‌هایی چون کربلای ایران، دفاع مقدس، سرزمین نور، تربت پاک جبهه‌ها و... دلیل بر نوع نگاه تقدس‌گرایانه به جبهه‌ها بود. خود این نگاه، لوازم خاصی داشت. از جمله: شهید عباس موحدی در نامه‌ای خطاب به یکی از دوستانش می‌نویسد: جبهه جای مقدسی است، خون شهیدان در آنجا ریخته شده است. جبهه جایگاه نماز و دعاست که انسان برای خودسازی آنجا می‌رود (فهمی، ۱۳۷۵، ص ۴۶).

۲-۲. ولایت‌باوری

از جمله باورهای مهم در جهان اجتماعی دفاع مقدس، باور به ولایت به معنای اعم، از جمله باور به ولایت فقیه بود. این باور از ارزش‌های مهم به حساب می‌آمد. تجلی این باور، در تعامل با حضرت امام، به عنوان مصداق ولایت در عصر غیبت مشاهده می‌شد. ولایت فقیه، محور اتحاد و انسجام و همبستگی بود. الگوی ارزش‌های حاکم و الگوهای نقش رزمندگان بود. محور تلاش‌ها و تحمل سختی‌ها بود. تجلی و ظهور این ولایت‌محوری، با اطاعت محض امام شروع می‌شد و به رتبه‌های پایین تا سطح فرمانده دسته و گروه هم می‌رسید؛ به این معنا که اطاعت از فرمانده دسته، مصداق از اطاعت از ولی فقیه به حساب می‌آمد.

ولایت‌باوری در جهان اجتماعی دفاع مقدس، صرفاً در مقام حرف نبود و منحصر به ولایت معنوی هم نبود، بلکه ولایت معنوی، سیاسی و حتی نظامی امام را باور داشتند؛ برخلاف ولایتی که برخی از اصحاب پیامبر باور داشتند که صرفاً در مسایل معنوی بود. لذا بعضاً با دستورات سیاسی پیامبر مخالفت می‌کردند. برای نمونه، صلح حدیبیه وقتی که پیامبر صلی الله علیه و آله صلح کردند، فرمودند: از همین جا قربانی و حلق کنید، اکثراً حاضر به انجام دستور پیامبر نشدند و با سکوت، ناراحتی خود را نسبت به صلح اعلام کردند، به طوری که حضرت

خودش شروع کرد به انجام و بعد، کم‌کم سایر مسلمانان این کار را کردند (جعفریان، ۱۳۸۷، ج ۳، ص ۴۶). اما در جبهه‌ها، کافی بود رزمندگان متوجه بشوند که نظر امام فلان مسئله است. لذا با تمام وجود آن را انجام می‌دادند. در طول دفاع مقدس، مشاهده نشد که امام یک دستوری را دو بار تکرار کنند. بسیجی خود را «ابن‌الخمینی» می‌دانست، به طوری که این را دشمن نیز فهمیده بود. خانم آباد نقل می‌کند که اوایلی که عراقی‌ها ما را به اسارت گرفتند، به خانم‌ها می‌گفتند شما «بنت‌الخمینی» هستید (آباد، ۱۳۹۳، ص ۱۸۵). تعابیری چون «بابای بسیج» و «ترمز بسیجی» و شعارهایی مثل «روح منی خمینی»، «امام تو قلب و جان منی»، «بسیجی عاشق روی خمینی»، «بسیجی رهرو راه خمینی» و... اینها همه ناشی از باور به ولایت و رابطه عمیق بین ولایت و آنها بود.

سخن امام فصل‌الخطاب و تعبیرات و کلمات او، الگوی باوری و رفتاری رزمندگان بود. سخنان و دیدگاه‌های خود را به امام استناد می‌دادند. مثلاً می‌گفتند: همان طور که امام امت فرمودند و کمتر می‌گفتند: من این گونه می‌گویم. دعا و نذر برای سلامتی امام، رواج عکس و گفته‌های امام در جبهه و همراه رزمندگان و... همه ناشی از ولایت‌محوری و ولایت‌باوری آنان بود.

یکی از آزادگان محترم نقل می‌کند: وقتی ما را به اسارت گرفتند، درحالی که خیلی از بچه‌ها زخمی بودند، یکی از افسران دشمن، از داخل یکی از تانک‌های دشمن پیاده شد و گفت: به امام توهین کنیم و الا با تانک شما را زیر می‌گیرم، ولی بچه‌ها حاضر به این کار نشدند. او دستور داد که ما ۹ نفر را با فاصله معینی روی زمین بخوابانند. درحالی که دست‌هایمان بسته بود، به راننده تانک گفت حرکت کند و او با کمال بی‌رحمی با تانک روی بدن چند نفر از بچه‌ها رفت و آنها را له کرد، ولی باز هم بچه‌ها مقاومت کردند و به امام اهانت نکردند. جالب اینکه در همین هنگام یکی از همان بچه‌هایی که نصف بدنش زیر شنی‌های تانک دشمن له شده بود و نفس‌های آخرش را می‌کشید، برای لحظه‌ای تکانی خورد که افسر بعضی هم متوجه شد و به سمت او رفتند و دیدند: او در کمال آرامش زیر لب زمزمه‌ای دارد و آن دعای همیشگی رزمندگان بود که «خدایا خدایا تا انقلاب مهدی خمینی را نگه دار» و بعد به شهادت رسید (مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵، ص ۴۸).

۲-۳. معنویت‌گرایی

خود را از جمله کنش‌های اجتماعی او، بر محور اسلام و اخلاق اسلامی باشد. به طوری که هیچ عاملی نتواند مانع آن گردد. برخی معتقدند: اصولاً در جنگ، امکان رعایت اصول اخلاقی ممکن نیست و نباید انتظار داشت که در صحنه جنگ، مسائل اخلاقی با دوست و یا با دشمن رعایت شود؛ چراکه فضای حاکم بر جنگ، یک فضای غیرعادی است. درحالی که رعایت کنش‌های اخلاقی، مربوط به شرایط عادی است. برای نمونه، *اگوستین* معتقد است: «اصولاً جنگ، انسان‌های متقی و پرهیزکار را هم از جاده فضیلت منحرف می‌سازد و در جعبه پاندورای فتنه و آشوب را می‌گشاید» (گریگوری و آندره بگبی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۷). همچنین، افرادی مثل *داتته آگیری* و *کانت* قائلند: «اصولاً نمی‌شود جنگ را با ارزش‌ها و هنجارهای اخلاقی تنظیم کرد» (همان، ص ۱۳۸). اما در دفاع مقدس، آنچه بر کنش‌های اجتماعی رزمندگان حاکم بود، تطابق و همخوانی نسبتاً کامل و جامع کنش‌ها، با اخلاقیات اسلامی بود.

در طول هشت سال دفاع مقدس، کنش‌های اخلاقی در صحنه‌های جنگ رواج داشت، اعم از کنش‌هایی که بین خود رزمندگان حاکم بود و یا کنش‌های آنان با دشمن. این کنش‌ها، شامل رفتار با یکدیگر در سطوح مختلف می‌شد؛ کنش نیروها با فرماندهان و بعکس، کنش نیروهای یک واحد یا گردان با هم، کنش بزرگترها نسبت به کوچکترها و بعکس و... این کنش‌ها عمدتاً مبتنی بر آموزه‌های اخلاقی اسلام بود. مثل ایثار، گذشت، سبقت در خیر، تعاون، احترام، نیکی به یکدیگر، تواضع، شاد کردن دیگران و...

به دو نمونه از این کنش‌های اخلاقی اشاره می‌شود: شهید *حسن باقری*، فرمانده قرارگاه، وقتی برخی از صحنه‌های ایثار و اخلاص و عبودیت بسیجی‌ها را می‌دید، به سرش می‌زد و می‌گفت: خاک توی سر ما که فرمانده اینجور آدم‌ها هستیم. ما کجا و آنها کجا؟ تازه می‌رویم برایشان سخنرانی هم می‌کنیم (تقی‌زاده اکبری و همکاران، ۱۳۸۷، ص ۲۷۴).

مادر شهیدی نقل می‌کند: حتی یکبار نشد که فرزندم *سیدعلی*، جلوی من پاهایش را دراز کند. هنگامی که شهید شد، رفتم غسل خانه به او خطاب کردم که تو که هیچ وقت پایت را جلوی من دراز نمی‌کردی مادر؟! که ناگاه همه مشاهده کردند چشم‌های شهید کمی باز شد و قطره اشکی از آن جاری شد (رجایی، ۱۳۸۶، ص

از جمله مختصات فرهنگی و ارزش‌های حاکم بر فضای جبهه‌ها، گرایش به معنویت و ارزشمندی آن بود. در جبهه‌ها، هر که با معنویت‌تر بود، ارزشمندتر بود. کسب معنویت و تقویت آن، جزو برنامه‌های جدی و مستمر رزمندگان بود. جبهه، محل تجلی عینی آیه «ان اکرمکم عندالله اتقاکم» بود. دغدغه رزمندگان، کسب معنویت بود. یک رزمنده وقتی وارد جبهه می‌شد، با موقعی که از جبهه خارج می‌شد، یا به شهادت می‌رسید، از جهت معنوی ارتقا یافته‌تر می‌شد. رمز موفقیت بر دشمن بیرونی را سرکوبی دشمن درونی و کسب فضایل اخلاقی و معنویت می‌دانستند. یکی از مهم‌ترین دغدغه‌های رزمندگان، تقویت معنویت بود. از جمله برنامه‌های اولویت‌دار فرماندهان، رسیدگی به امور معنوی نیروهایشان بود. سعی می‌کردند در هر مقر و پایگاهی، از وجود روحانیون و علمای اخلاق استفاده کنند. رواج کتاب‌های دینی و اخلاقی مثل *نهج‌البلاغه*، *صحیفه سجادیه*، کتاب‌های شهید دستغیب، کتاب‌های *آیت‌الله حائری شیرازی* و... مشهود بود. شرکت در نمازهای جماعت و تلاوت قرآن، توسل، دعا، راز و نیاز با خدا، در دل شب فضای جبهه‌ها را پر کرده بود. جبران گذشته نامطلوب و توبه از کارهای ناپسند خود، از محورهای مهم برنامه‌های آنان بود. محاسبه نفس و تلاش برای رفع رذایل اخلاقی و کسب کمالات معنوی، جزو برنامه‌های مرسوم جبهه‌ها بود. درخواست تذکر و سفارش اخلاقی و معنوی از بزرگان و هم‌زمان، امری کاملاً مقبول و شایع بود. دائم‌الوضو بودن و رعایت سنت‌ها و ترک مکروهات، در جای جای جبهه‌ها متجلی بود. همه اینها ناشی از این بود که مسئله معنویت برای آنها ارزش داشت و حیاتی بود.

۳. سطح رویین

در بالاترین سطح هر جهان اجتماعی، کنش‌ها قرار دارند که ناشی از ارزش‌ها و به تبع، از باورهای بنیادین می‌باشند. از جمله مهم‌ترین کنش‌های حاکم بر جهان اجتماعی دفاع مقدس، موارد ذیل است:

۳-۱. اخلاق محوری

از جمله ویژگی کنش‌های اجتماعی جبهه، اخلاق محور بودن آنها بود. تطابق کنش‌ها با اخلاق اسلامی، مورد تأکید دین اسلام می‌باشد. بر هر فرد مؤمنی، لازم است تا حد امکان همه کنش‌های

(۶۱)

آمدن خود را در جریان عملیات بیت المقدس و فتح خرمشهر این گونه

بیان می‌کند:

یکی از افراد بسیج چنان استقبالی از من کرد که فکرش را نمی‌کردم. مرا در آغوش کشید و دو بار صورتم را بوسید. این در حالی بود که اجساد دوستانش بر روی خاکریز افتاده بودند. احساس شرمساری کردم... آنجا بود که احساس کردم تولدی دوباره یافته‌ام (عبدالرحمان، ۱۳۸۶، ص ۲۳۶).

۲-۳. فقه‌محوری

اساس کنش‌های حاکم بر جبهه، فقه اسلامی و رساله عملیه بود. رزمندگان اسلام در تعامل با خدا، خود، دیگران و طبیعت، این مسئله را رعایت می‌کردند. به باور آنان، پایه کنش‌ها باید اعتقادات و ارزش‌ها باشد. کنش‌های دنیوی باید بر پایه اعتقادات بنیادین شکل بگیرد، نه بر اساس مصالح دنیوی. میزان پایبندی رزمندگان به مسائل شرعی را می‌توان در استفتائاتی که از امام راحل در این زمینه شده است، فهمید. عمده سؤالات مربوط به فضای جبهه و جنگ و تکلیف رزمندگان در امور عبادی می‌باشد. اعم از مسائل تقلید، نماز، روزه، طهارت، مسائل مربوط به دفاع، شامل حضور در جبهه و ضرورت و شرایط آن، اجازه والدین و اداره و سازمان محل کار، استفاده از وسایل نقلیه جبهه، استفاده از وسایل مردم جنگ زده، برداشتن وسایل غنیمی و... که در جلد اول و سوم، استفتائات حضرت امام جمعاً ۱۴۲ سؤال در مورد مسائل دفاع از امام پرسیده شده است (موسوی خمینی، بی‌تا).

وجود رساله عملیه در هر نقطه‌ای از جبهه، حتی در سنگر کمین، که نزدیک‌ترین نقطه به دشمن بود، نشان حساسیت آنها به مسائل شرعی بود. بیان مسائل شرعی بین نمازها امر رایجی بود. حتی رساله‌های ویژه‌ای توسط انتشارات سپاه چاپ شده بود که مربوط به رزمندگان اسلام بود. کمتر رزمنده‌ای بود که مسئله ۱۱ یعنی «مسائلی که انسان غالباً به آنها نیاز دارد، واجب است یاد بگیرد»، رساله را بلد نباشد. کثرت مراجعه به روحانیون مستقر در جبهه و پرسش‌های شرعی از آنان و... همه نشانی بود از اهمیت داشتن مسائل فقهی و رعایت آنها نزد رزمندگان اسلام.

حتی در خاک دشمن هم تلاش می‌کردند، مسائل شرعی را رعایت کنند. استفتائاتی که از امام خمینی^ع در این زمینه می‌شد، گواهی است بر حساسیت رزمندگان در رفتن به سرزمین دشمن و

در دفاع مقدس، کنش‌ها با دشمن نیز بر اساس معیارهای اخلاق اسلامی بود. باورها و ارزش‌های حاکم بر آنها، مانع این بود که هر رفتاری که دلشان خواست، با دشمن انجام دهند. با مطالعه جنگ‌های مهم تاریخ معاصر و کنش‌های غیراخلاقی طرفین درگیر با هم، بهتر می‌توان اهمیت کنش‌های اخلاقی و اسلامی رزمندگان اسلام با دشمنان خود را در دفاع مقدس درک کرد. آقای *جانان گلرور* در کتابی تحت عنوان *انسانیت: تاریخ اخلاقی سده بیستم*، مواردی از جنایتهایی که طرفین جنگ‌های اول و دوم جهانی، جنگ آمریکا با ویتنام، جنگ شوروی با افغانستان و جنگ آمریکا با عراق، نسبت به هم روا داشته‌اند را به تفصیل بیان کرده‌اند که با اولیات اخلاق انسانی هم سازگار نیست. تنها به یک نمونه اشاره می‌شود: یکی از نیروهای ارتش آمریکا در خاطراتش از جنگ با ویتنام می‌گوید:

گروهانی از سربازان آمریکایی مستقر در ویتنام، در یک روز گرم به مزرعه‌ای رسیدیم که یک پیرمرد نابینای ویتنامی در آن مشغول بود. او به ما کمک کرد که دوش بگیریم و خودش از چاه آب می‌کشید و روی ما می‌ریخت و می‌خندید. در آخر یکی از نیروهای ما سطل شبر را به طرف صورت پیرمرد پرتاب کرد و باعث شد چشمش خون بیاید و پیرمرد نقش زمین شد، ولی هیچ کس از ما کمکش نکرد (گلرور، ۱۳۹۲، ص ۱۰۴).

همچنین، برای پی بردن به جنایات دشمن بعضی عراق علیه اسیران ایرانی، به کتاب‌هایی همچون *پایی که جا ماند* (خاطرات سیدناصر حسین‌پور)، *زندمان الرئیسید* (خاطرات علی‌صغر گرجی‌زاده)، *جنایتهای ما در خرمشهر* (خاطرات افسران عراقی در خرمشهر)، *مأموریت ما در خرمشهر* (سرهنک صبار فلاح‌اللامی)، *گردان گم‌شده* (سرگرد عزالدین مانع) و... می‌توان مراجعه کرد. بهترین سند برای کنش‌های اخلاقی رزمندگان با دشمن بعضی، کتاب‌های خاطرات فرماندهان دشمن می‌باشد که پس از اسارت یا بعد پایان جنگ نوشته‌اند. کتاب‌هایی مثل: *ویرانی دروازه تسرعی*، *سرلشگر و فقیق السامرای*، *عبور از آخرین خاکریز*، *احمد عبدالرحمان*، *نوشتن تا بماند* و... در اینجا یک خاطره از یک پزشک نظامی بعضی، نقل می‌شود: دکتر احمد عبدالرحمان پزشک عراقی، نحوه به اسارت در

استفاده از محصولات کشاورزی و میوه‌های درختان و... (همان).
 فقه‌محوری کنش‌های حاکم بر جهان اجتماعی دفاع مقدس، در چهار محور انجام واجبات و مستحبات و ترک محرمات و مکروهات قابل بررسی است. انجام واجبات، مثل حضور در جبهه و اطاعت از حکم ولی فقیه، در وجوب کفایی حضور در جبهه‌ها، ادای نمازهای واجب در هر شرایطی، امر به معروف و نهی از منکر، ادای خمس و... (ر.ک: ابراهیم هادی، عارفانه، کتاب بلورچی، این‌گونه بودند مردان مرد، جاده‌های سربی و...).

ترک محرمات نیز در جبهه کاملاً رعایت می‌شد. انجام عمل حرام، امری بسیار قبیح شمرده می‌شد. تقریباً کسی علناً مرتکب حرام نمی‌شد. هرچند ممکن بود برخی مرتکب گناهی شوند، ولی نه به طور علنی و مشهود. به بیانی، کسی که وارد جبهه می‌شد، این‌گونه نبود که در نشست و برخاست با رزمندگان، شاهد کنش‌های حرام آن هم به صورت علنی باشد. کسی حق غیبت کردن نداشت. معمولاً برای غیبت‌کننده تنبیه‌هایی در نظر گرفته بودند. البته ناگفته نماند که در جبهه، زمینه بسیاری از گناهان فراهم نبود. مثل نگاه به نامحرم، مال حرام خوردن، و... اما همین رزمندگان، وقتی به شهر برمی‌گشتند که زمینه چنین گناهی فراهم بود، باز هم مرتکب آنها نمی‌شدند. خواهر شهید/میرعباسی نقل می‌کند: زن‌های همسایه به من می‌گفتند: آقا/براهیم چقدر خودش را می‌گیره. می‌گفتم: شما اشتباه می‌کنید. اون فقط می‌خواد خودش رو از گناه حفظ کنه. برای همین، نه به نامحرم نگاه می‌کنه، نه حرف می‌زنه. من که خواهرش هستم، بعضی وقتا توی خیابان از کنارش رد می‌شم، اون متوجه نمی‌شه (عاکف، ۱۳۸۶، ص ۲۲).

انجام مستحبات: هر کسی که برای اولین بار به جبهه می‌رفت، کاملاً مشاهده می‌کرد که رعایت مستحبات در همه امور، امری رایج بود. اعم از مسائل مربوط به خوراک، پوشاک، مسائل عبادی، خوابیدن، نظافت و طهارت، سخن گفتن و... اقامه نمازهای مستحبی، تعقیبات نمازها، سجده شکر بعد از نمازها، مقید بودن به دعای کمیل و ندبه و سمات، مسواک زدن پیش از نماز و خواب، رو به قبله خوابیدن، تلاوت قرآن در هر موقعیتی، حتی در خط مقدم، تلاوت سوره «واقع» پیش از خواب، به صورت دسته‌جمعی، شستن دست‌ها قبل و بعد از غذا، بسم‌الله گفتن، خوردن مقداری نمک قبل و بعد از غذا، دعا کردن قبل و بعد از غذا مثل دعای «اللهم ارزقنا

رزقاً حلالاً طیباً واسعاً» یا دعای «اللهم ارزقنا نعمه مشکوره تصل بهها نعمه الجنه واجعلنا من الشاکرین برحمتک یا ارحم الراحمین». البته عمده دعا کردن مربوط به بعد غذا خوردن می‌شد، به طوری که معمولاً همه افراد، نفری یک دعا می‌کردند. وقتی اولین نفر دعا می‌کرد، نفر سمت راستی او ادامه می‌داد؛ چراکه سمت راست بودن مزیتی داشت. سعی می‌شد هر کاری از سمت راست شروع شود. مثل ورود و خروج مکان‌ها، نرمش کردن، و... شکر الهی را بجا آوردن پس از غذا، دراز کشیدن پس از غذا و پای راست را روی پای چپ انداختن، خواب قیلوله در صورت امکان، شانه زدن موی سر و محاسن پیش از نماز، به طوری که تقریباً همه رزمندگان شانه شخصی داشتند. معطر شدن قبل از نماز، گرفتن ناخن‌ها در روز جمعه، اهمیت دادن به نماز بخصوص نماز جماعت سر وقت، ویژگی بارز فضای حاکم بر جبهه بود. به طوری که کمتر پایگاهی پیدا می‌شد که در هر سه وعده نماز جماعت منعقد نباشد. حتی رعایت نمازهای مستحبی خصوصاً نماز غفیله و تیره و نماز شب بسیار رواج داشت. معمولاً در هر گردانی، یک روحانی بود که نماز جماعت را اقامه می‌کرد.

ترک مکروهات: ترک امور مکروه نیز در جبهه‌ها رواج داشت. شب‌ها ایستاده آب نمی‌خوردند. معمولاً تا گرسنه نمی‌شدند؛ غذا نمی‌خوردند چون غذا خوردن در حال سیری مکروه بود. از پرخوری پرهیز می‌کردند. از خوردن چای و غذای داغ پرهیز داشتند و به آن فوت نمی‌کردند. حتی الامکان با دست چپ غذا نمی‌خوردند. خواب بین الطلوعین، معمولاً ترک می‌شد. حتی سعی می‌کردند مانع خواب بین الطلوعین هم‌زمان خود شوند. البته با شگردهای خاصی، که حق دیگران ضایع نشود. مثلاً با شوخی کردن و... از قهقهه زدن پرهیز داشتند. بیشتر تبسم می‌کردند.

نتیجه‌گیری

از آنچه گذشت، می‌توان گفت:

از آنجاکه عناصر فرهنگی در دفاع مقدس، جایگاه ویژه‌ای داشتند، زنده نگه داشتن یاد دفاع مقدس و کشف زوایای مختلف آن، می‌تواند علاوه بر تقویت قدرت نظامی کشور و ایفای نقش بازدارندگی، به رفع و دفع مشکلات فرهنگی و اجتماعی جامعه نیز کمک کند.

تجربه نشان داده است که پرداختن به دفاع مقدس، آثار و

د. نگاه قدسی داشتن به جامعه اسلامی؛
 ه. تبدیل آرمان‌های انقلاب، به گفتمان عمومی؛
 و. گسترش نمادهای دینی در جامعه؛
 ز. حضور فراگیر روحانیت در همه عرصه‌های اجتماعی؛
 ک. تقویت روحیه ولایت‌محوری در جامعه؛
 ل. زنده نگه‌داشتن یاد و خاطره جنگ و شهدا؛
 م. فراگیر شدن آموزش معارف بنیادین در سطوح مختلف اجتماعی؛

در پایان چند پیشنهاد پژوهشی هم ارائه می‌شود:
 الف. راه‌اندازی کارگروه‌های پژوهشی در مراکز علمی، اعم از حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌های کشور، برای استخراج گنج‌های علمی نهفته در دفاع مقدس؛
 ب. تدوین کتاب‌های مدون با ساختارهای علمی رایج با موضوع دفاع مقدس؛
 ج. راه‌اندازی نشریات تخصصی و علمی در حوزه دفاع مقدس بخصوص در مراکز دانشگاهی نیروهای مسلح.

برکات فراوان اجتماعی و فرهنگی دارد. آثار حاصل از آن را می‌توان در نمونه‌هایی مثل دفن شهدای گمنام در مراکز مختلف، برگزاری اردوهای راهیان نور، برگزاری یادواره شهدا و... مشاهده کرد. از جمله استفاده‌های فرهنگی و اجتماعی از تجربه دفاع مقدس، ترسیم و تحلیل جهان اجتماعی حاکم بر جبهه‌ها می‌باشد. جهان اجتماعی دفاع مقدس، دارای عناصر فرهنگی اصیل و باارزشی است که تمسک به آنها، می‌تواند نویدبخش شکل‌گیری جهان اجتماعی شایسته در جامعه اسلامی باشد؛ جهانی که در خلال آن، بتوان زندگی مطلوب و ایمن دنیوی و سعادت اخروی را به دست آورد.

عناصر اصلی تشکیل‌دهنده جهان اجتماعی دفاع مقدس، عناصر فرهنگی بودند. این عناصر عبارتند از:

الف. باورهای بنیادین که تعیین‌کننده نوع جهان اجتماعی هستند، مثل باور به خدا و خود و هستی؛

ب. باورها و ارزش‌هایی که ناشی از باورهای بنیادین بودند، مثل معنویت‌گرایی، تقدس‌گرایی، تفکر، عقل‌گرایی، آرمان‌گرایی، ولایت‌محوری؛

ج. کنش‌هایی که از دل این ارزش‌ها محقق می‌شد که خود دارای ویژگی‌های خاصی بود، مثل فقه‌محوری، اخلاق‌محوری، متعهدانه بودن؛

با پایان جنگ نظامی، دشمن فرهنگ دینی ما را نشانه گرفت؛ همان فرهنگی که موجب مقاومت مردم در جنگ نابرابر نظامی و شکست دشمن شد. علی‌رغم تذکرات فراوان رهبری معظم، نسبت به توطئه فرهنگی دشمن، ولی مسئولان توجه چندانی به مبارزه با آن نشان ندادند. حاصل این تساهل این شد که جامعه با مشکلات فرهنگی و اجتماعی فراوانی روبه‌رو گردید. به نظر می‌رسد، راه‌حل جدی این مسئله، پرداختن به همان مسائل فرهنگی است که بر جبهه‌ها حاکم بود و موجب پیروزی شد.

بهره بردن از جهان اجتماعی دفاع مقدس، برای حل مشکلات فرهنگی و اجتماعی جامعه، منوط به شرایطی است که مهم‌ترین آنها موارد ذیل است:

الف. باور مسئولان به‌ویژه مسئولان فرهنگی به سرمایه بودن دفاع مقدس؛

ب. تبدیل و تبیین محتوای فرهنگی دفاع مقدس به زبان علمی؛

ج. باور به وجود دشمن؛

.....منابع

- آباد، معصومه، ۱۳۹۳، *من زنده‌ام*، تهران، بروج.
- پارسانیا، حمید و مهدی سلطانی، ۱۳۹۰، «بازخوانی جهان‌های اجتماعی جامعه‌شناسی پدیده‌شناختی بر اساس حکمت متعالیه»، *معرفت فرهنگی اجتماعی*، سال سوم، ش ۱، ص ۱۴۳-۱۷۲.
- پارسانیا، حمید، ۱۳۸۷، «نسبت علم و فرهنگ»، *راهبرد فرهنگ*، ش ۲، ص ۶۴-۵۱.
- ____، ۱۳۹۱، *جهان‌های اجتماعی*، تهران، کتاب فردا.
- تقی‌زاده اکبری، علی و همکاران، ۱۳۸۷، *عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس*، قم، زمزم هدایت.
- جعفری، محمدعلی (عزیز)، ۱۳۹۲، *کالک‌های خاکی*، تدوین گل‌علی بابایی و حسین بهزاد، تهران، سوره مهر.
- جعفریان، رسول، ۱۳۸۷، *مقالات تاریخی*، قم، دلیل ما.
- جوادی آملی، عبدالله، ۱۳۸۱، *نسبت دین و دنیا، بررسی و نقد نظریه سکولاریسم*، قم، اسراء.
- حراعلی، محمدین حسن، ۱۴۰۹ق، *وسائل‌الشیعه*، قم، مؤسسه آل‌البیت.
- رجایی، غلامعلی، ۱۳۸۶، *لحظه‌های آسمانی (کرامات‌تسهیدان)*، تهران، شاهد.
- شریفی، احمدحسین، ۱۳۹۳، *مبانی علوم انسانی اسلامی*، تهران، آفتاب توسعه.
- طباطبائی، سیدمحمدحسین، بی‌تا، *المیزان فی تفسیرالقرآن*، قم، جامعه مدرسین.
- عاکف، سعید، ۱۳۸۶، *ساکنان ملک اعظم ۵: منزل امیرعباسی*، چ چهارم، مشهد، ملک اعظم.
- عبدالرحمان، احمد، ۱۳۸۶، *عبور از آخرین خاکریز*، ترجمه محمدحسین زوار کعبه، چ سوم، تهران، سوره مهر.
- فهیمی، سیدمهدی، ۱۳۷۵، *فرهنگ جبهه؛ یادگار نوشته‌ها*، تهران، سروش و فرهنگ گستر.
- کلینی، محمدبن یعقوب، ۱۴۲۹ق، *کافی*، قم، دارالحدیث.
- گروه فرهنگی شهید ابراهیم هادی، ۱۳۹۲، *مصطفی (زندگی‌نامه و خاطراتی از سردار سرلشکر شهید حجت‌الاسلام مصطفی رذایی پور)*، تهران، امینان.
- گریگوری رایشبرگ و هنریک سایس اندره بگی، ۱۳۹۰، *اخلاق جنگ*، ترجمه عبدالرحیم گواهی، تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی وزارت امور خارجه.
- گل‌اور، جانانان، ۱۳۹۲، *انسانیت: تاریخ اخلاقی سده بیستم*، ترجمه افشین خاکباز، تهران، آگه.
- مرکز پژوهش‌های فرهنگی، ۱۳۶۸، *سفیران نور (درس‌هایی از حماسه‌آفرینان عرصه عشق و ایثار)*، تهران، بنیاد شهید.
- مصباح، محمدتقی، ۱۳۸۸، *معارف قرآن (خدائشناسی، جهان‌شناسی، انسان‌شناسی)*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- ____، ۱۳۹۰، *آموزش فلسفه*، قم، مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
- مطهری، مرتضی، ۱۳۷۰، *بیست گفتار*، چ هفتم، قم، صدرا.
- ____، ۱۳۹۲، *جهان‌بینی اسلامی*، قم، صدرا.
- موسوی خمینی، سیدروح‌الله، *استفتاءات* (نرم‌افزار جامع مجموعه آثار حضرت امام خمینی)، تهران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.
- مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۷۵، *روایت هجران (امام خمینی و آزادگان؛ خاطرات و نامه‌های دوران اسارت آزادگان)*، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی.